

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱/۳۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۳/۲۹

علیرضا شیخی<sup>۱</sup>، مریم شیرپور اکبری<sup>۲</sup>

## تعامل بز و درخت آسوریگ در تبلور هنری ایران قبل از اسلام و آشور

### چکیده

داستان درخت آسوریگ بر مبنای تعامل بز و درخت شکل گرفته و این دو عنصر به عنوان نمایندگان اقوام ایران قبل از اسلام (ماد) و آشور، اندیشه و بنیان فکری آن‌ها را به تصویر کشیده است. چگونگی شکل‌گیری و جایگاه این دو عنصر به عنوان نماد در هنر و مذهب این دو دولت مرادپژوهش است. بنابراین در تمدن ایران قبل از اسلام درخت آسوریگ در تمدن آشور دارای چه معنا و مفهومی است؟ و نیز تعامل بز و درخت آسوریگ به عنوان نمایندگان دو تمدن فرهنگی در قبل از اسلام بر آثار هنری به چه صورتی تبلور یافته است؟ مطالعه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در چارچوب شمایل‌نگاری صورت پذیرفته است. بر اساس یافته‌ها چنین استنباط می‌شود که اساس و ریشه داستان آسوریگ در مذهب این دو قوم یعنی ماد و آشور گنجانده شده و شاید بز به دلیل چالاک و بی‌باکی در قالب نماد مزداپرستی و درخت نخل به علت داشتن جایگاهی والا در بین‌النهرین و آشور، مورد پرستش بوده و بر روی آثار نقش بسته است؛ اگرچه نقش درخت (اشکال مختلف) و همچنین بز در دوران ما قبل ماد و آشور به عنوان نماد کاربرد فراوان داشته و تأثیرپذیری اقوام ماد و آشور از نمادهای گذشتگان به عنوان باورها و عقاید دینی و آیینی انکارناپذیر است. باید اذعان داشت که داستان آسوریگ در این دوران با توجه به اسناد مکشوفه باستانی، به صورت کلی نمایان و مطرح بوده است. پس از جمع‌بندی مطالب و تصاویر، نتایج ذیل از تعامل دو عنصر بز و درخت در قالب داستان درخت آسوریگ قبل از اسلام به دست آمده است: برتری‌جویی قوم ماد بر آشور، تقدم و برتری دین زرتشت بر خدایان آشوری، اتحاد میان دامپروری و کشاورزی، اتحاد نوع بشر در قالب جنس نر و ماده و برتری‌جویی جنس مذکر، کنایه از زایش و باروری و اتحاد زمین و آسمان.

**کلیدواژه‌ها:** درخت آسوریگ، بز، ماد، نخل، آشور

۱. استادیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: a.sheikhi@art.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد نقاشی

E-mail: designer.maak@yahoo.com

## مقدمه

درخت آسوریگ داستانی اسطوره‌ای با دو عنصر بزکوهی و درخت نخل مربوط به آغاز حکومت ماد و سقوط آشور است. این پیروزی به شکل نمادین در رجزخوانی بز و درخت انعکاس یافته و بز پیروز شده است (محمدی و قایینی، ۱۳۹۰: ۱۸۵). «منشأ درخت نخل احتمالاً بین‌النهرین بوده و در همین مکان اهلی و تکثیر شده است» (ریاضی، ۱۳۷۵: ۲۰۸-۲۰۷) اهداف کلی تحقیق شامل مطالعه داستان درخت آسوریگ در تعامل دو تمدن ماد و آشور، بررسی پیشینه فرهنگی و تصویری درخت آسوریگ در دوران قبل از اسلام و در آخر با توجه به دو مؤلفه موجود در این داستان، چگونگی شکل‌گیری و جایگاه این دو مؤلفه به‌عنوان نماد در هنر و مذهب این دو دولت مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله تلاشی است در جهت پاسخ به این سؤالات که مفهوم بز در تمدن ایران قبل از اسلام و درخت آسوریگ در تمدن آشور چیست و تعامل بز و درخت آسوریگ به‌عنوان نمایندگان دو تمدن فرهنگی در قبل از اسلام بر آثار هنری به چه صورتی تبلور یافته است؟ در نگاهی اجمالی، بز نماد دین زرتشت و شاید تجلی خدا در قالب بزکوهی در دولت ماد باشد و درخت آسوریگ نمادی از خدای خدایان به شکل محور و استوار بر زمین که آن را به آسمان پیوند داده و تجلی شاه آشور، حکومت و اقتدار او می‌باشد که با تجمع نیروهای الهی خداوندان تشکیل یافته و فناپذیر است. استفاده از این دو نماد در حقیقت رویارویی دو خدا از دو کشور متفاوت و شاید ستیزه‌جویی دو شاه آشور و ماد باشد که در نهایت به پیروزی مادها می‌انجامد. آگاهی و شناخت گفتگوی این دو عنصر تصویری در سابقه تمدنی ایران باستان و بین‌النهرین در تأمل و تدبیر بهتر از تاریخ هنر ایران ضروری به‌نظر می‌رسد.

## پیشینه پژوهش

از مطالعاتی که تاکنون به داستان درخت آسوریگ پرداخته‌اند می‌توان به شکوفه پاکیزاد تبریزی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی منظومه درخت آسوریگ از نظر مباحث دستوری اشاره کرد که نکات دستوری این منظومه را مورد بررسی قرار داده است. هما رحمانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان التفات و تطور تاریخی آن در آثار بلاغی تا امروز به التفات از شگردها و آرایه‌های ادبی در بیشتر کتب بلاغی عربی و فارسی به‌صورت انتقال‌گوینده از خطاب به غیبت و برعکس معنا و انواع محدود اشاره دارد. لیلا فلاح در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان گیاهان اساطیری در هنر ایران باستان به بررسی گیاهان به‌عنوان یکی از کهن‌الگوها و مقدس‌ترین عناصر موجود در هنر کهن ایران پرداخته است. رضا ابراهیمی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان تعلیم و تربیت فرزندان در ادب فارسی تا قرن ۶ هجری تحلیل می‌کند که در متون ادبی مثل درخت آسوریگ به موضوع تربیت فرزند توجه شده است. پرویز اذکائی (سپیتمان) در مقاله منشأ مناظره‌های ادبی (ایران باستان و میانرودان) استدلال می‌کند که اشکال ادب فارسی صبغه اقلیمی دارد که از جمله طرز یا شیوه مناظره متعلق به ادب مادستانی است. سید محمد ابراهیمی در مقاله ساختار داستان درخت آسوریگ بر مبنای دیدگاه لوی استروس، در جهان بینی اسطوره آدمی کوشیده تا به پرسش‌های بنیادین خویش درباره جهان و انسان پاسخ دهد. میکائیل رسول‌زاده در مقاله نقش مناظره‌های ادبیات عامه کودکان در تفکر منطقی کودکان معتقد است مناظره و گفتگو، سنتی است که از زمان آفرینش، یکی از راههای کسب معرفت بوده است.

## روش پژوهش

در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با فنون جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه، همچنین از طریق اینترنت و سایت‌های معتبر به گردآوری متون پرداخته شده است. این تحقیق کیفی بوده و به بررسی و تحلیل آثار نمادین به‌جای مانده از دوران آشور در بین‌النهرین و ایران قبل از اسلام بر اساس دو مؤلفه موجود در داستان، بز و درخت نخل، می‌پردازد. بر اساس رویکرد شمایل‌نگاشتی، بررسی داستان و نمادهای درخت آسوریگ در سطح پیش‌شمایل‌نگاشتی، دو عنصر ساده نخل و بز مرکز توجه بوده و شاکله داستان بر اساس تعامل این دو است و در سطح رویکرد رسم و قرارداد، همانی یافتن این اسطوره با تصاویر نمادین یافت شده از آن در ادوار مختلف مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به معنای درونی و زیرساخت نمادهای آن به چگونگی پیدایش، مکان، زمان و به‌ویژه عوامل فرهنگی و مذهبی در سطح سوم، یعنی شمایل‌شناسی پرداخته است.

## داستان اسطوره‌ای درخت آسوریگ

مادی- در اوستا رگه- یا (ری) از طرف شمال بحر خزر، از غرب به ارمنستان، از جنوب به شوش و از شرق به آریا (هاریپو) محدود و مرکز آن اکباتان یا هگمتان (همدان) محل اقامت تاپستانی پادشاه بود. قسمتی از آن مجاور ارمنستان، کوهستانی و سردسیر موسوم به آترپاتن یا آذرباد بوده که امروز بآذربایجان معروف است (حاکمی و همکاران، ۱۳۴۲: ۱۰۱-۱۰۰) و آشوری‌ها از قدیمی‌ترین ساکنان بین‌النهرین بوده و در طول دو هزار سال بر همهٔ مردمان که بر بین‌النهرین تسلط یافتند، مقدم بودند (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۴۵). در یک لوح متعلق به قرن هشتم پیش از میلاد فهرست نام بیش از صد و هفتاد پادشاه آشور ثبت شده است (همان: ۱۴۵). اقتصاد آن‌ها بر پایهٔ کشاورزی، دامپروری و تجارت استوار بود (همان: ۱۲۵).

درختی رُسته است	سراسر {تَر} کشور سُورستان
بُش، خشک است	سَرش، است تَر
بَرگش (به) نی ماند	بَرش ماند (به) انگور
شیرین بار آورد	برای مردمان {مردمان و سناد}
آن درخت بلند	با بُز، نبرد کرد {هم نبردید}
... چون آن گفته شد	{بوسیلۀ} درخت آسوریگ
بز پاسخ کرد	سَر، فراز جُنبانَد
که: تو با من، پیکار میکنی {رانی}	تو با من، نبرد میکنی
... سرودم را هر که نگهداشت	(و آن) که نوشت از خویش
دیر زیاد به هر سرود	سر دشمن مُرده بیناد
(آن) که نهاد و (آن) که نوشت	او نیز به همین آئین
به گیتی تَن خسرو	و به مینو بُخته {آمرزیده} روان (باد) (نوابی، ۱۳۶۳: ۸۳-۴۱).

در فرهنگ نو درباره درخت آسوریگ آمده است: درخت آسوری منظومه‌ای به‌صورت مناظره به زبان پارتی یا پهلوی اشکانی بوده که اکنون به خط پهلوی با ۱۲۱ بیت در دست است. مضمون

آن شامل مناظره بین بز و نخل بوده که در آن ابتدا توصیف کوتاهی از یک درخت به صورت چیستان از زبان شاعر مطرح شده به شکلی که خواننده پاسخ آن را درمی‌یابد. سپس بز با او به معارضه برخاسته، او را تحقیر و از فواید خویش می‌گوید. در آخر به زعم سراینده، بز غالب می‌شود (شریفی، ۱۳۸۷: ۶۲۷). در بین اسناد، سه نسخه از متن افسانه به دست آمده: افسانه مو و میش که مهدی آذرزیدی آن را به دست آورده و درون‌مایه اصلی آن همان رجزخوانی نخل و بز است. روایت‌های دیگر مربوط به اسناد مکتب‌خانه‌ای جنوب و شمال زاگرس، خوزستان و چهارمحال بختیاری است که منتشر نشده‌اند (همان: ۱۸۶).

### نماد بز و درخت در ایران

بز، نماد حاصلخیزی و باروری و یکی از حیوانات اساطیری که از دوران باستان مورد توجه بوده و در بسیاری از آثار به‌جای مانده نقش بسته است. با توجه به این مسئله که بز در بیابان و مناطق کوهستانی زندگی می‌کند، می‌تواند به‌عنوان نمادی از حیات در این مکان‌ها باشد زیرا تا آب در جایی نباشد موجود جاندار یافت نمی‌شود. شاخ‌های آن نیز نماد قدرت، پرتحرکی و نشانه‌ای از جریان زندگی است. مفهوم و نماد شاخ در دوران باستان به‌حدی بوده که از آن به‌تنهایی بر روی سفالینه‌ها استفاده شده است. طرح‌های ترسیم‌شده توسط ایرانیان به‌خصوص نقش حیوان ملی - بزکوهی - سادگی و دقت را به بیننده القا می‌کند که در آسیا منحصربه‌فرد محسوب می‌گردد (اقتداری، ۱۳۹۱: ۵-۶) و بز کوهی، حیوان ملی ایران دانسته شده است (وزیری، ۱۳۶۹: ۱۴۵) (مجموعه تصویری ۱).

مجموعه تصویری ۱: نقش بز بر آثار کشف‌شده از تپه‌های باستانی ایران

		
قطعات سفال منقوش با نقش بز، چشمه‌علی ری، (معصومی، ۱۳۴۹: ۲۵۲)	طرح ظروف سفالی و قطعات سفال با نقش بز، سیلک کاشان، (معصومی، ۱۳۴۹: ۲۴۹)	نمونه سفال با نقش بز و شاخ‌های بزرگ آن، تل باکون (معصومی، ۱۳۴۹: ۲۵۶)
		
نقوش مختلف بز، سفالینه‌های تل باکون (فارس) (مأخذ: نگارنده)	قطعات سفال شوش با نقش بزکوهی، (معصومی، ۱۳۴۹: ۲۵۹)	تکه ظروف سفال، تپه چشمه‌علی، ۴۸۰۰-۵۲۰۰ پ.م، موزه ملی (مأخذ: نگارنده)
		
نقش بز بر روی ظرف سفالین شوش، (مأخذ: نگارنده)	سفالینه دوره آغاز ادبیات (کامبخش، ۱۳۸۰: ۱۲۴)	سفال گودین تپه VII = شوش I (کامبخش، ۱۳۸۰: ۱۳۴)
		
قطعات سفال، تپه‌ی حصار دامغان (معصومی، ۱۳۴۹: ۲۸۲)	مهر سنگی استوانه‌ای، شوش، هزاره سوم پیش از میلاد، (مأخذ: نگارنده)	ساغر سفالی، شوش (معصومی، ۱۳۴۹: ۳۶۱)

درخت به دلیل وجود قائم به‌عنوان مرکز هستی شناخته می‌شود که عالم، پیرامون آن را فراگرفته است. «در اسطوره‌شناسی ایرانیان، احترام به درخت به‌ویژه درختان کهنسال تا حدی است که زرتشت سپنتامن می‌گوید: هر کس درخت کهنسالی را قطع کند، می‌میرد» (بهرامی، ۱۳۹۲: ۳۱). تمام باورها نشان می‌دهد نمادگرایی درخت از نظر جنسیت دو وجهی است. درخت زندگی ممکن است در اصل به‌صورت نر- ماده‌ی اولیه لحاظ شود اما در جهان پدیده‌ها، رشد ساقه به‌طرف آسمان نماد قدرت خورشید و تصویر الگوی ازلی پدر است و درخت مجوف و درخت برگ‌دار، پوشاننده، جایی که پرندگان لانه می‌سازند و در هر فصل از میوه پوشیده می‌شود، تصویر الگوی ازلی قمری از مادر بارور است (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸: ۱۹۸). دو وجهی‌گری هم‌زمانی در نمادگرایی درخت، در درخت دوتخمه روشن‌تر است؛ نماد جریانی که طی آن تضادهای یک فرد به وحدت می‌رسد (همان: ۲۰۰). این حالت دو وجهی درخت از دوران باستان مدنظر بوده و در نمادسازی سعی بر وحدت دو ضد شده است. از درخت به‌عنوان نماد زندگی و مرگ، جنس مذکر و مؤنث و نیک و بد که جزئی از حقایق زندگی بوده یاد شده است. درخت معرفت، درخت حیات، درخت آسوریگ، درخت مهرگیاه، درخت همه تخمه و گوگرد از درختان اسطوره‌ای می‌باشند.



#### نماد درخت در اساطیر بین‌النهرین و درخت آسوریگ در قوم آشور

مذهب نقش مهمی در شکل‌گیری درختان مقدس داشته است و منزلت درختان نزد مردمان چنان عظیم بوده که برای آن‌ها نگهبان می‌گماشتند و اغلب درختان با شرایط خاص مثل قد، طول عمر زیاد و ... مورد توجه بوده‌اند. «مهم‌ترین متن مذهبی که در آن از درخت زندگی سخن رفته، تورات است. بر اساس آموزه‌های تورات، درخت زندگی و درخت شناخت خوب و بد، دو درخت روئیده در باغ عدن (بهشت) هستند» (عبدلی و گرکنی، ۱۳۹۲: ۲۹۸). از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نکات در دین سومر، درخت نمادین کیهانی است که تا پایان تمدن‌شان نماد پیوند زمین و آسمان در یک نقطه مقدس خاص در سومر باقی است. (همان: ۳۰۰) یکی از کهن‌ترین عقاید مذهبی بین‌النهرین اعتقاد به تجلی خدایان در قلمرو پادشاهی گیاهان است، اما در قرن پانزدهم پیش از میلاد شکل درختی که این اعتقاد مذهبی در آن تجلی می‌یافت، تغییر شکل داد (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۵۸-۱۵۷). در بین‌النهرین «درخت زندگی» ترکیبی از رستنی‌های گوناگون است که به علت عمر زیاد، زیبایی و فواید مقدس شمرده می‌شوند، از قبیل درخت سدر که چوبش گران‌بها است، نخل که خرما می‌دهد، تاک بن با بار خوشه‌های انگور و درخت انار، رمز باروری که میوه‌اش بار صدها دانه دارد. «درخت زندگی» معمولاً در نقوش، میان دو راهب، کاهن یا دو جانور افسانه‌ای (شیردال، بز وحشی، شیر و ...) قرار دارد که نگاهبانان به‌شمار می‌روند. درخت زندگی رمز نیروی مقدس و ترس محسوب می‌شود. برای چیدن میوه‌هایش که از آن اکسیر ملکوتی مورث طول عمر به دست می‌آید، باید با هیولاهای نگاهبانش گلاویز شد. هر که در این نبرد پیروز شود، به مرتبه انسان والا ارتقا می‌یابد یعنی جاودانه جوان می‌ماند و بی‌مرگ می‌شود (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۹۹) (مجموعه تصویری ۲).

نقشمایه درخت زندگی به همراهی نقش پادشاه شبان که به نمایندگی از سوی خدایان حافظ زندگی است، یک مفهوم سومری در دوران آغاز نگارش بود. گرچه این نقش‌مایه از دوران آغاز سلسله‌های قدیم به بعد به دلایل نامعلوم ناپدید گردید، اما این مفهوم بار دیگر از طریق هوری-میتانیها به آشور راه یافت و در هنر آن‌ها ظاهر شد (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۸۸). دو نقش در

هنر آشور معیار بود؛ تصویر درخت مقدس مسبک و مصنوعی اولین بار در نقاشی دیواری کاخ توکولتی نینورتای اول در شهر توکولتی نینورتا و دیگری که بعدها در نقوش مهر استفاده شد نقش شیردال (گریفین) کاکلدار است (همان: ۱۶۶-۱۶۷).

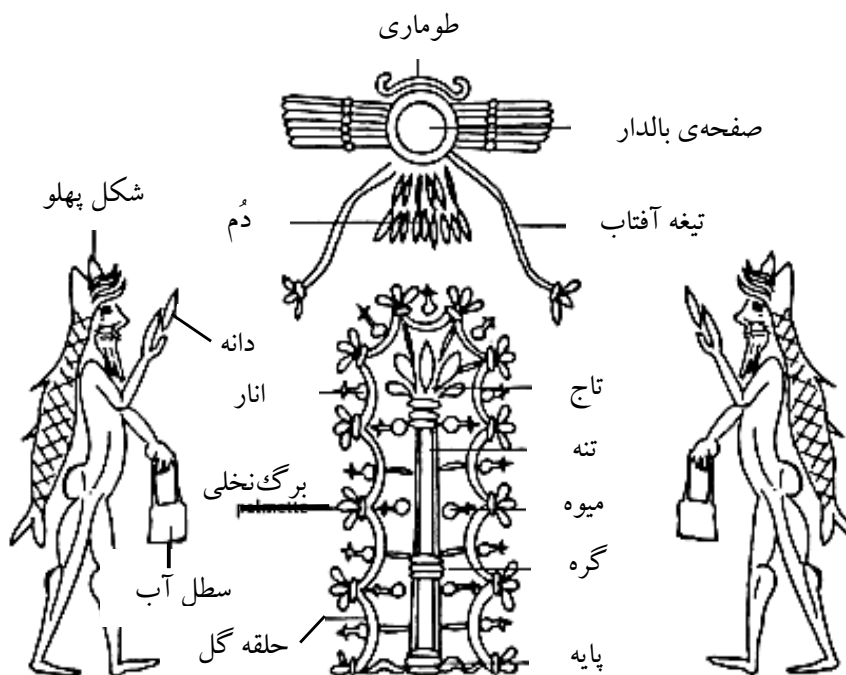
مجموعه تصویری ۲: درخت در آثار برجای مانده از دوران قبل از اسلام در ایران و بین‌النهرین

		
<p>نمونه‌هایی از درختان مقدس بر روی مهرهای استوانه‌ای آشور (طلایی، ۱۳۹۳، ص ۳۰)</p>		
		
<p>مهر استوانه‌ای دوران هخامنشی، (طلایی، ۱۳۹۳: ۱۵۱)</p>	<p>مهر استوانه‌ای دوران هخامنشی، (طلایی، ۱۳۹۳: ۱۵۱)</p>	<p>بازسازی نقاشی دیواری از کاخ توکولتی-نینورتای اول. (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۶۷)</p>
		
<p>اثر مهرهای استوانه‌ای ایلام قدیم، تپه یحیی (کرمان)، (طلایی، ۱۳۹۳: ۱۰۱)</p>	<p>مهر استوانه‌ای ایلام قدیم، موزه لوور. (پرادا، ۱۳۸۶: ۴۹)</p>	<p>قسمتی از جام وارکا، موزه عراق. (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۹۹)</p>
		
<p>مهرهای استوانه‌ای، دوران آشور میانی. (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۹۹)</p>	<p>مهرهای استوانه‌ای، دوران آشور میانی. (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۹۹)</p>	<p>شانه با نقش کنده، عاج آشور، موزه اشتات لیش، برلین. (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۹۹)</p>
		
<p>پلاک، فراعنه و درخت، آشوری، بین‌النهرین (www.pinterest.com)</p>	<p>نقش برجسته، کاخ آشورناصیرپال دوم، موزه بریتانیا. (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۹)</p>	<p>نقش برجسته مرمر، کاخ آشوربانیپال در نینوا، موزه بریتانیا. (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۹)</p>
		
<p>تنوع درخت آسوریگ (Cooper, 2000: 425)</p>	<p>تخته سنگاتاق تاج و تخت آشورنصیرپال دوم، (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۶۶)</p>	<p>حک شده آشوری درخت‌زندیگی (www.pinterest.com)</p>

## اجزاء درخت آسوریگ

جزئیات ظاهری درخت آسوریگ در تصویر ۳ آمده است. در این اسطوره حیوان و گیاه هر یک با مفهوم خاص به‌عنوان نمادی برگرفته از موقعیت و شرایط اجتماعی، مذهبی و تاریخی اتخاذ شده است. بر اساس نگاه نماد شناسانه نخل نماد کشاورزی و بز نماد دامپروری و نبرد این دو نشان از ستیز و برتری‌جویی تولیدات کشاورزی با دامپروری است. بز نماد مزدا پرستان و نخل نماد دیو پرستان و به‌ظاهر هدف تجلی تفاوت بین باور و اندیشه‌های دو تبار آریایی و آشور است.



تصویر ۳- عناصری ساختاری درخت آشوری (Parpola, 1993: 162)



می‌دانیم که هر قومی متأثر از دوران ماقبل خود است. آشوریان نیز در زمینه‌های متعدد بیشتر تحت تأثیر بابل و اکد بوده‌اند. به دلیل شرایط اقلیمی، رویش نخل در منطقه و نیز پایه اقتصاد مبتنی بر کشاورزی می‌توان به ارزش این درخت پی برد. آشوریان دارای خدایان متعدد با مقام مجزا بودند. طبق نمودار به‌دست‌آمده خدای آنو در رأس خدایان و از نسل اول و خدایان بعدی به ترتیب آ مقام دوم، سین سوم، مردوک چهارم، شمش پنجم، ایشتار ششم، نابو هفتم، آد هشتم و خدای نرگال مقام نهم را دارا می‌باشند. این نه خدا مانند چارت از رأس به پایین مقامشان تنزل می‌یابد. نمودار مجموعه‌ای از خدایان با یک پیوند مشترک شامل جمیع نیروی مقدس الهی خدایان بوده و به شکل نمادین در هنر و مذهب آنان بازنمایی شده است. مردم سومر، بابل و آشور به ستاره‌شناسی تسلط داشته و آسمان را مرکز تجمع خدایان می‌دانستند لذا هر کدام

از این نُه خدا نماد یک سیاره به همراه خورشید و ماه بودند. در مجموعه تصویر ۴ زیر شاکله درخت آسوریگ در کالبد بدن انسان جای گرفته و این نشان انسان‌خدایی (شاه) است.

مجموعه تصویری ۴: شاکله درخت آسوریگ در کالبد انسان‌خدایی (شاه)

			
نمادی از خدای برتر آشور (www.Pinterest.com)	درخت بازسازی پارپولا (Cooper, 2000: 437)	درخت وارونه (Cooper, 2000: 435)	درخت مدبیتشن (Cooper, 2000: 435)

### ریشه‌یابی نمادهای درخت آسوریگ

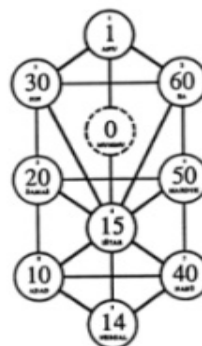
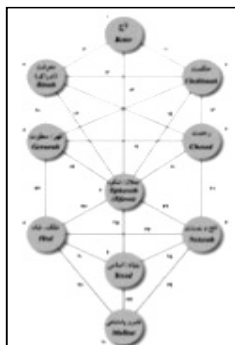
چنین برمی‌آید که دین و مذهب با هنر رابطه تنگاتنگی دارند. هنر در جهت اشاعه فرهنگ و مذهب به کار می‌رود و دین از زاویه قدرت از هنر حمایت می‌کند. شاید در شکل‌دهی نمادین درخت آسوریگ مذهب نیز نقش حمایتگر داشته است. نقش ستارگان و اعداد نیز در این میان بی‌تأثیر نبوده است. «بر اساس شواهد نوعی نظام دینی در شکل‌دهی به نقوش تزئینی دخیل بوده و این شواهد تا آن اندازه روشن است تا حدی که نشان دهد نقش نسبی دین حقیقی و نقش جادوی دیرین و دیرپا در ذهن ساکنان فلات ایران در هزاره چهارم پیش از مسیح چگونه بوده است» (پوپ و اکرمین، ۱۳۸۷: ۴۱). گفته‌اند دین نیروی الهام‌بخش هنر و هنر هم خدمت‌گزار ملازم دین است (همان: ۴۰). در کتیبه‌ای آشوریانی پال از اهمیت آسمان و ستارگان چنین می‌گوید: «آن اسرار نهان فن منشیگری راه یافتیم؛ ساخته‌های آسمانی و زمینی را خواندم و در آن‌ها تدبیر کردم؛ در انجمن‌های نویسندگان حاضر شدم و مراقب پیشگویی‌ها و اخبار غیبی بودم؛ با کاهنان دانشمند به شرح آسمان‌ها برخاستم؛ به ضرب‌ها و تقسیم‌های پیچیده‌ای آگاهی یافتیم [...]» (دورانت، ۱۳۶۷: ۳۲۴-۳۲۳).

برای پارپولا، سفیروت کابالیستیکی «به‌طور قوی یادآور ویژگی‌ها و نمادهای خدایان بین‌النهرینی است و رابطه برجسته آن‌ها با اعداد، اعداد عرفانی و الهی خدایان بین‌النهرینی را به یاد می‌آورد» (Cooper, 2000: 436). می‌توان گفت اعداد در مذاهب بین‌النهرین نقش نمادین الوهیت دارند. نماد اصلی این آیین درخت کیهانی و اصل زمین و آسمان (زمین و بهشت) است که یک کلید مخفی برای ساختار روانی (روحی) بشر کامل و در نتیجه زندگی جاودانه دارد این درخت و سایر نمادها «جهت شکل بخشی بصری به اصول پایه این آیین است در حین اینکه آن‌ها را از چشم بیگانگان نیز پنهان می‌کند و از این‌رو یک رمز مخفی دارد [...] تشویق به عبادت و تعمق» (Cooper, 2000: 439) (تصویر ۵).



تصویر ۵- اعداد و رابطه آن با خدایان بین‌النهرینی (Cooper, 2000: 437) حسن عباسی، منطق قبلا، ۱۳۹۴

(www.kolbeh-keramat.ir)



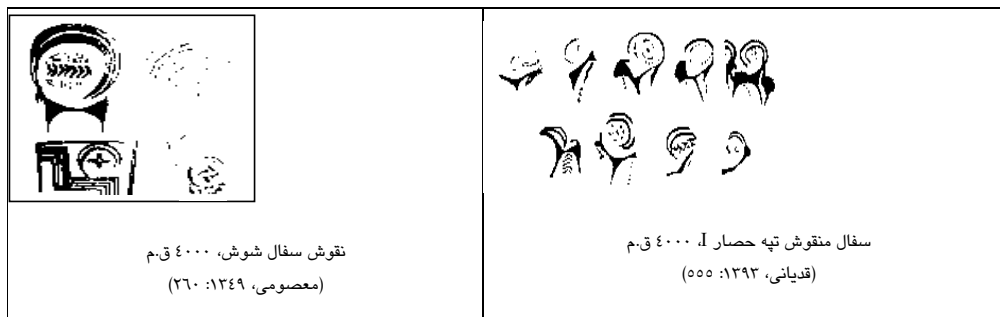
طبق تحقیقات شاکله درخت سفیروت از درخت زندگی بین‌النهرین گرفته شده و بر اساس آن ستون سمت راست نماد رحمت (زنانگی) و ستون سمت چپ نماد حکمت (مردانگی) و ستون مرکزی نشانه اعتدال است.

پارپولا از سه‌گانگی آشور با یک الهه یکسان سخن گفته و در درخت آشور چهارگانگی مشهود است، طوری‌که با قرارگیری در رسالت آشور با آنکه به‌نظر می‌رسد مذهب آن‌ها با تعدد خدایان مبنی بر شرک باشد، اما با تعمق بیشتر یکتاپرست بوده و تمام خدایان به‌صورت قدرت، جنبه، کیفیت و ویژگی‌های متفاوتی از آشور بوده که اغلب همان آشور «خدای واحد» است (Ibid: 439). «مذهب یکتاپرستی زرتشتی، پیروان فلسفه فیثاغورثی، پیروان افلاطون، یکتاپرستان یهودی همگی ستون فقرات یکتاپرستی آشوری و کابالیستی هستند.» (Ibid: 442). اصول سه‌گانه شامل خدا، پدر، روح‌القدس، یگانگی و اتحاد پدر با پسر و غیره می‌شود که همگی از مذهب آشور و فلسفه آن‌ها نشأت گرفته است (Ibid).

نقش بز در ایران قبل از اسلام و درخت آسوریک در قوم آشور و تحلیل بصری گفتمان این دو بز به‌عنوان حیوان ملی در ایران و نماد آبیاری، حاصلخیزی و در برخی ادوار از آن تحت خدای خورشید یاد شده است. «از داستان‌ها و افسانه‌های مربوط به اقوام آریائی در سرزمین‌های مختلف دنیای قدیم به‌ویژه روم و یونان چنین برمی‌آید که گاهی خدایان مصلحت می‌دیدند خود را به صور مختلف حیوانات وحشی و اهلی یا پرند‌های زیبا درآورند» (معصومی، ۱۳۴۹: ۱۸۴). «شاید همین تغییر قیافه خدایان و بیرون آمدن آن‌ها به صور مختلف حیوانات یکی از دلایلی باشد که حیوان مقدس شمرده شده و نقش حیوان موضوعی برای نقش‌آفرینان و هنرمندان سازنده ظروف سفالی دوران باستان گردیده است» (همان: ۱۸۴). عموماً پس از فرمانروایی خورشید، بزکوهی حیوان خورشید نام گرفت و علامتی شبیه ستاره چند پر که به‌اصطلاح «لوتوس» گویند در بین شاخ‌های این حیوان بر سفالینه‌ها رسم شده است در اکثر پدیده‌های هنری، آن‌ها (الهة آب) در قالب بزکوهی مجسم شده است (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۹۱، ۸۵). هر یک از اقوام باستانی بز را به‌عنوان یکی از مظاهر طبیعت در نظر گرفتند. در

لرستان بز کوهی نماد خورشید و گاهی باران بوده، زیرا آن زمان ماه با باران و خورشید با خشکی را مرتبط به هم می‌دانستند. بین شاخ بز و منحنی هلال ماه وجه تشابه دیده و معتقد بودند شاخ باعث ریزش باران می‌شود. در شوش و ایلام بزکوهی نماد کامیابی و خدای حیات گیاهی بود (اقتداری، ۱۳۹۱: ۵-۶) علاوه بر این، چند نمونه سفال شوش در هزاره چهارم پیش از میلاد با نقش بزکوهی ریش‌دار که در میان شاخ آن‌ها نقش درخت زندگی و صلیب شکسته به نشانه خورشید همراه با نقوش تزئینی دیگر دیده می‌شود (معصومی، ۱۳۴۹: ۲۶۰). در نمونه‌ها بزکوهی به‌عنوان نماد حاصلخیزی، حیات گیاهی، خوشه گندم، نمادی مانند جریان آب که در میان شاخ‌هایش جای دارد، است و نیز علامت سواستیکا و صلیب (نماد خورشید) در میان شاخ بز قرار گرفته و آن را خدای خورشید نامیده‌اند (تصویر ۶).

تصویر ۶: نقش بز بر آثار مکشوفه از تپه‌های باستانی ایران همراه با سواستیکا در میان شاخ‌ها



از دیگر نشانه و نمادهای به‌کار رفته در میان شاخ‌های بز کوهی می‌توان از ستاره-دایره، نقطه‌چین-نقطه‌های مدور متوالی و دوایر محاط شده درهم نام برد که تمام این علامت و نشانه‌ها نماینده گردونه خورشید است (معصومی، ۱۳۴۹: ۲۸۱). به‌طور کلی نقش بز به دو دلیل بر روی سفال دیده می‌شود: مذهبی و آیینی و غیرمذهبی و دنیوی. بزکوهی نماد باران است و شاخ‌های برگشته آن نشانه هلال ماه. شاید یکی از دلایل تقدس بز نزد مردمان باستان این باشد که بز یک حیوان کوهی است و کوه برای آن‌ها مقدس بوده و آن را نماد عظمت و جایگاه خدایان و حیوانی از جانب آن‌ها که در کوه‌ها بوده دانسته و از آن در مراسمات مذهبی خود برای قربانی کردن استفاده می‌کردند تا از این طریق خدای خود را خوشنود کرده و خشم او را فروکش نمایند. دلیل دیگر این‌که کوه‌ها جاری‌کننده آب‌ها و آبریزها هستند که زمین اطراف خود را سیراب کرده و برای مردمان ایران ساکن در مناطق کم آب بااهمیت بوده و وجود بز در کوه‌ها مژده دهنده آب بوده و شاید این‌گونه در طول زمان به‌عنوان سنبل آب و باران شناخته شده است و مردم با قربانی کردن آن از خدای خود درخواست بارندگی می‌کردند. با توجه به شاخ‌های بز تمامی آن‌ها نر بوده‌اند. این امر نشان می‌دهد که مردم می‌خواستند نرینگی این حیوان را نشان دهند که عامل و باعث باروری است، همین‌طور قدرت آن را که گاه به‌عنوان سنبل محافظ مورد احترام و حتی پرستش بوده

است (اقتداری، ۱۳۹۱: ۱). از دلایل غیرمذهبی این‌که مردمان باستان نه به خاطر خدایان خود یا عوامل آیینی بلکه به دلیل ازدیاد بز در مناطق و در شکار به آن توجه کرده و برای ثبت دیده‌های خود به‌عنوان یک حیوان زیبا که شاید جنبهٔ زیباشناختی داشته است نقش آن را تصویر کرده‌اند. در برخی موارد نیز در نقوش به هر دو برمی‌خوریم یعنی هم عوامل مذهبی و هم غیرمذهبی.

منشأ درخت نخل احتمالاً بین‌النهرین بوده و در همین مکان اهلی و تکثیر شده است. به دلیل اهمیت غذایی و استفاده از برگ و تنه و الیاف درخت نخل در زندگی مردم آسیای جنوب غربی و آفریقا دارای منزلت بوده است. تصویر این درخت، برگ و یا میوهٔ آنچه قبل از تاریخ و چه تاریخی موضوع هنرمندان بین‌النهرین و ایران بوده و بر روی سفالینه‌ها، مهر، اشیا فلزی و سنگی و غیره نقش بسته است. نقش این درخت با جنبهٔ تزئینی و بلکه هدف از آن جنبهٔ آئینی و نمادین بوده و این درخت به‌عنوان نماد تجدید حیات و باروری و فراوانی محسوب می‌گردیده است (ریاضی، ۱۳۷۵: ۲۰۸-۲۰۷). «پارپولا چنین فرض کرد که تقریباً همه کمبود شواهد متنی مربوطه در رابطه با این درخت بیانگر این است که نمادگرایی این درخت "اصولی محرمانه" بوده است» (Cooper, 2000: 430).

یکی از کهن‌ترین نمونه‌های بدست آمده از دوران آشور جعبه کوچک ساخته‌شده از عاج و مدفون در قبر شماره ۴۵ در نزدیکی معبد ایشتر در نینوا از قرن ۱۴ قبل میلاد است با طرحی از بزهای کوهی و درختان تزیین که از بالا و پایین با نوار پهنی از گلک‌ها قاب گردیده و دو بار تکرار شده است. یک درخت کاج و یک نخل یک در میان و در پای کاج بوته‌هایی روییده است. بر بالای شاخه‌های کاج دو خروس و بر شاخ نخل دو کلاغ نشسته‌اند و دو بزکوهی در دو سوی درخت کاج قصد خوردن گل‌بوته‌ها را دارند، قرص خورشید در آسمان نورافشانی می‌کند. یک در میان بودن این طرح ممکن است دارای مفهوم خاصی باشد (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۷۴-۱۷۳) (تصویر ۷) در تصویر ۸ نمونه درخت آسوریگ با طبیعت همراه شده و این‌گونه به‌نظر می‌رسد که درخت را جزئی از زندگی محسوب نموده‌اند که با طبیعت پیوند خورده و شاید برای آنان تداعی کنندهٔ صحنهٔ بهشت باشد. پرستش ایشتر که با تیر و ترکش و گرز و خنجر مجهز است بر روی جانور نمادین خود یعنی شیری خمیده، ایستاده است. در دو سوی این منظره، نخل‌های میوه‌دار و غزال‌هایی که به‌طور منظم نشان داده شده‌اند، منظره را پُر کرده‌اند (تصویر ۹).












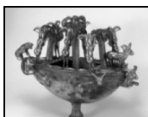







به‌نظر می‌رسد وجود تصویر درخت در کاج شاهان نمادی از حضور خدایان در آن مکان بوده و شاید محلی مملو از نیروهای الهی و محافظ دربار و شاه (تصویر ۱۰). حضور خدایان به شکل درخت در نبرد مجسم شده که حامی و نگهبان شاه است و نماد شاه آشور در رأس و بالای درخت قرار گرفته که می‌تواند به‌نوعی ضامن پیروزی در نبرد باشد (تصاویر ۱۱ و ۱۲). می‌دانیم که درخت معرفت و درخت زندگی هر دو در بهشت عدن بر روی زمین قرار داشتند و آدم و حوا برخلاف دستور الهی و به فریب مار از میوه درخت معرفت خوردند و از این‌رو به رموز عالم آگاهی یافتند. این داستان به‌نوعی در برخی از تصاویر درخت آسوریگ نمایان است و شاید به همین دلیل همیشه دو محافظ به شکل گاو، قوچ، بز کوهی در طرفین درخت قرار می‌دادند که در برابر مارها از درخت محافظت به عمل آورد. تصویر ۱۳ بازگوی این گفت‌وگو است.

نقش انسان که مارها از دو طرف به او حمله کرده‌اند همراه بزکوهی و درخت زندگی مربوط به هزاره چهارم پ.م. (معصومی، ۱۳۴۹: ۲۶۲). سینه‌بند زیویه نفوذ هنر آشور خصوصاً در نقش حیوانات افسانه‌ای و درخت زندگی و نیز هنر فنیقیه به دلیل وجود یک پیش‌بند مقابل ابوالهول و شباهت دیگر به سبک هنر سکاها به خاطر قرارگیری نقش خرگوش و شیر را نشان می‌دهد (وندن برگ، ۱۳۷۹: ۱۱۱) (تصویر ۱۴).

بازنمایی درخت آسوریگ در دوره‌های مختلف متفاوت است. «نقش درخت مقدس که در دو طرف آن دو حیوان (بز) پاهای خود را در مقابل شاخ و برگ درخت بالا آورده‌اند، از نقوش رایج مهرهای استوانه‌ای ایلام است» (طلایی، ۱۳۹۳: ۱۰۲). در بعضی دوره‌ها بز باحالت تهاجمی و در حال بالا رفتن از درخت است (ایلام) ولی در برخی دیگر آن را به صورت زانو زده در مقابل درخت می‌بینیم. در اینجا به نظر می‌رسد دو نماد از دو حکومت در مقابل یکدیگر قرار گرفته و نحوه تعامل آن‌ها حائز اهمیت است. بز نماد ماد و نخل نماد آشور که هر کدام می‌تواند جلوه‌ای از خدای آنان باشد که به طرق مختلف قرینه (دو بز در طرفین یک درخت)، یک بز و یک نخل به تصویر درآمده است. نکته دیگر شاید اتحاد نوع بشر در این تصاویر باشد؛ یعنی نیاز جنس نرینه و مادینه به یکدیگر که در دو قالب بز و درخت به تصویر کشیده شده است و در برخی نقوش برتری جویی مرد نسبت به زن، با بلند شدن بز، بالاتر بودن او نسبت به درخت و بزرگتر نشان دادن او و شاید نشانه مردسالاری بوده است (تصاویر ۱۵ تا ۲۵).

در مجموعه مهرهای یافت‌شده از تپه حسنلو، نقوش حیوانات به‌عنوان موضوع اصلی بدون ترکیب‌بندی با دیگر عناصر نقش‌بسته است و شامل حیوانات و پرندگان است. در تمام آن‌ها حیوانات در حال حرکت و جهش می‌باشند (طلایی، ۱۳۹۳: ۱۳۴). در اینجا درختان و بزها به شکل طبیعت‌پردازانه تصویر شده و حتی با طبیعت در ارتباط‌اند، ولی در برخی دیگر بسیار خلاصه و انتزاعی است (تصاویر ۳۱-۲۶) مانند تمام اشیاء به‌دست‌آمده از حسنلو این نقش نیز نشان آشکاری از روابط با نقوش آشوری بیان می‌کند. نزدیک‌ترین موتیف شبیه به آن در سفال منقوش از آشور بدست‌آمده ولی در نقوش آشور درختان طبیعی که در کوه‌ها می‌رویند از درختان خرما که در کوهستان نمی‌رویند متمایز شده، ولی در قطعه حسنلو درخت خرما از کوهی می‌روید که طرح فلس نشان داده شده است. علاوه بر آن بزهای کوهی نقوش آشوری معمولاً درخت را لمس نمی‌کنند و اگر هم چنین باشد فقط یک پای خود را بر درخت نهاده‌اند در صورتی که در قطعه حسنلو جانور سه پای خود را روی شاخه درخت قرار داده و به نظر می‌رسد که شاخه‌ها در زیر سنگینی وزن بز خم شده‌اند و یادآور بزهایی هستند که برگ درختان را می‌خورند، مانند بزهای امروزه در ایران (پرادا، ۱۳۸۶: ۱۶۸) (تصویر ۳۲).

یکی از بهترین صحنه‌ها بر مهر دوران ۴ و ۵ اوروک بین‌النهرین، درخت، بوته یا سبزه با دو حیوان در طرفین آن است (لازار، ۱۳۸۸: ۷۴) (تصاویر ۳۳ و ۳۴). در کل موضوع جانوران شاخ‌دار در دو سوی درخت سالیان درازی تا زمان ساسانیان در ایران ادامه داشته و برای دیگر ملت‌های خاور نزدیک که در هنرشان یافت می‌شود، شناخته شده است (پرادا، ۱۳۸۶: ۲۹-۲۸) (تصاویر ۳۵-۳۷).

		
تصویر ۹-نو آشوری سده ۷۰۰-۶۵۰ پیش از میلاد، موزه بریتانیا، لیک، (۱۲۸۵: ۲۷۶)	تصویر ۸-بازسازی نقاشی دیواری کاخ توکولتی - نینورتای اول (مجیدزاده، ۱۲۸۰: ۱۶۷)	تصویر ۷- نقش روی یک جعبه عاجی از گور ۴۵ در آشور (مجیدزاده، ۱۲۸۰: ۱۷۲)
		
تصویر ۱۲- مهرهای استوانه‌ای، دوران آشورمیانی (مجیدزاده، ۱۲۸۰: ۲۹۹)	تصویر ۱۱- نقش برجسته مرمر، کاخ شمال‌غربی آشورناصرپال دوم نمود (مجیدزاده، ۱۲۸۰: ۱۶۶)	تصویر ۱۰- آجر لعاب درخت آسوری، شلمانسر، ۱۹۶۳: IX. pl. 432 (Cooper, 2000)
		
تصویر ۱۵- مهر استوانه‌ای ایلام میانی، چغان‌نیل، قرن ۱۳ پیش از میلاد. (پرادا، ۱۲۸۶: ۵۷)	تصویر ۱۴- بخشی از سینه‌بند زیویه، مانناتی- مادی، قرن ۸ ق.م. (دیاکونوف، ۱۳۵۷: ۳۷۳)	تصویر ۱۳- کاسه زرین، موزه سین سیناتی-محمدی و قایینی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹)
		
تصویر ۱۹- جیرفت (www.pinterest.com)	تصویر ۱۸- دسته شی از جنس عاج، زیویه (وندن برگ، ۱۳۷۹: ۱۴۷)	تصویر ۱۷- مهر استوانه‌ای، شوش، قرن ۱۱-۱۳ پیش از میلاد، موزه لوور. (پرادا، ۱۲۸۶: ۵۷)
		
تصویر ۲۲- بز و نخل، نقره، قرن ۸ تا ۶ پیش از میلاد. (www.persiagnblog.irpost)	تصویر ۲۱- قایق با بزهای سواره و درخت، قرن ۸ تا ۶ پیش از میلاد. (www.pinterest.com)	تصویر ۲۰- بز و درخت نخل، زیویه (http://partizan_g.mihanblog.com)
		
تصویر ۲۵- مهر و اثر مهر، دوره هخامنشیان، موزه بریتانیا (http://www.shegeftiha.com/)	تصویر ۲۴- نو آشوری- صفحه ی مدور لرستان (www.pinterest.com)	تصویر ۲۳- نقش بز روی لگام، نیمه اول هزاره دوم پ.م. (محمدی و قایینی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۶)
		
تصویر ۲۸- نقش درخت ظرف سفال، زابل، ۵۰۰۰ ق.م. (www.tebyan-zn.ir)	تصویر ۲۷- مهر استوانه‌ای، عصر آهن II (حسنلو) (مارکوس، ۱۳۸۷)، (طلایی، ۱۳۹۳: ۱۳۰)	تصویر ۲۶- مهر استوانه‌ای، عصر آهن II (حسنلو) (مارکوس، ۱۳۸۷)، (طلایی، ۱۳۹۳: ۱۳۰)

		
تصویر ۳۱- جعبه با نقش کنده، عاج، آشور، موزه اشقات لیشرلین، (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۲۱۴)	تصویر ۳۰- مهر استوانه، دورهی شوش C، ۳۰۰۰ پیش از میلاد، موزه لوور (پرادا، ۱۳۸۶: ۲۲)	تصویر ۲۹- آبخوری سفالی، تپه گیان نهاوند، (معصومی، ۱۳۴۹: ۲۶۶)
		
تصویر ۳۴- مهر استوانه ای، ایلام آغازین، ۲۹۰۰ - ۳۱۰۰ ق.م، (www.pinterest.com)	تصویر ۳۳- پلاک عاج، زیویه، اواخر قرن ۸ تا ۷ پیش از میلاد. (پرادا، ۱۳۸۶: ۱۸۱)	تصویر ۳۲- حسنلو، قرن ۹ پیش از میلاد، موزه‌ی ایران باستان. (www.pinterest.com)
		
تصویر ۳۷- ساغرمفرغی (دو طرف)، لرستان، سده ۹ یا ۱۰ پیش از میلاد (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۷۰)	تصویر ۳۶- دو بز در طرفین درخت مقدس (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۱۰۴)	تصویر ۳۵- اثر مهر ساسانی، دو جانور شاخدار در دو سوی نخل (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۱۰۳)

### جمع‌بندی

آنچه در نگاه نخست از نظاره نمادین درخت آسوریگ بر ما نمایان می‌شود دو مؤلفه درخت نخل و بز یا دو عنصر مانند دیگر عناصر موجود در طبیعت است، ولی وقتی موشکافانه آن‌ها را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم، به نتایجی فراتر از ذهنیات منجر می‌شود. از ماحصل مطالعات انجام‌شده در بررسی پیشینه بصری و محتوایی درخت آسوریگ در تعامل اقوام ایران باستان و بین‌النهرین، می‌توان مفاهیم زیر را استخراج نمود:

۱. برتری‌جویی قوم ماد بر آشور: درخت آسوریگ یک نمای کلی از دو تمدن ماد و آشور در قالب دو نماد به شکل نخل (آشور)، نماد کشاورزی و شغل اصلی مردم آشور و دیگری بزکوهی (ماد) که نماد دامپروری است، به تصویر می‌کشد. این دو نماد شکل اصلی اسطوره را تشکیل داده و در واقع نمایشگر دو خدای این دو حکومت می‌باشند که نسبت به برتری‌جویی‌های خود در قالب داستان نیز سخن گفته‌اند. بز با طبیعتی پر جنب‌وجوش و ساکن در کوه‌ها و دیگر مناطق بیابانی، نوید دهنده آب و حاصلخیزی و نخل نمادی از سکون و درعین‌حال پیوند دهنده زمین و آسمان نیز که در شرایط اقلیمی بین‌النهرین و آشور وجود داشته به‌عنوان نماد کشاورزی در نظر گرفته شده است. همان‌گونه که در داستان و برخی تصاویر ملاحظه شد، برتری‌جویی بز بر نخل یا به عبارتی قوم ماد بر آشور نمایان است. حالات کرنش و تهاجمی بز در برابر درخت می‌تواند بیانگر این حالت باشد.

- ۲- تقدم و برتری دین زرتشت بر خدایان آشوری: می‌توان گفت ماده‌ها آغازگر دین زرتشت بوده و بز نمادی از آیین زرتشت نیز به دلیل چندخدایی بودن، آشوریان را بت‌پرست و نخل را نماد چندخدایی بودن آن‌ها تصور می‌کردند. البته آنان در اصل یگانه‌پرست بوده و دیگر خدایان را تجلی خدای اصلی خود (آشور) می‌دانستند. هر خدا دارای یک عدد خاص و مربوط به یک شهر بود. بر اساس یافته‌ها، درخت نخل،

ترکیبی از چند خدای اصلی می‌باشد که یک واحد را تشکیل داده است. احتمالاً در تصاویر به‌دست‌آمده هر جا بز حالت تهاجمی و گرنش نسبت به درخت نخل را دارا باشد یا در تصاویر دیگر، ترکیب دو بز در طرفین یک نخل می‌تواند نمادی از برتری دین زرتشت بر خدایان آشور محسوب گردد.

۳- اتحاد میان دامپروری و کشاورزی: از دیگر نتایج می‌توان به انتخاب بز به‌عنوان نمادی از دامپروری و درخت نخل نمادی از کشاورزی اشاره نمود و چنین استنباط کرد که در تصاویر و نقوش به‌جای‌مانده هر جا که بز حالت ایستایی و آرامی در مقابل درخت نخل دارد، نشانه و نمادی از اتحاد بین آن دو می‌باشد که شاید بیان‌کننده اتحاد بین دو تمدن آشور و ماد، پس از اتمام جنگ‌های مکرر بوده و پیروزی مادها پس از اتمام جنگ منجر به یکپارچگی آنان شده است.

۴- اتحاد نوع بشر در قالب جنس نر و ماده و برتری جویی جنس مذکر: چنانکه اشاره شد درخت نمادی از زایش و باروری، سکون و ایستایی است، به‌خصوص درختان میوه‌دار را نمادی از جنس مؤنث دانسته‌اند. شاخ بز نیز نمادی از هلال ماه و منتسب به جنس مذکر و بز به‌دلیل تحرک و شاخ‌دار بودن آن نمادی از جنس مذکر بوده است. در نقوشی که بز حالت خیز برداشتن داشته و قامت او بالاتر از درخت است، می‌تواند نشانه‌ای از برتری جویی جنس مذکر بر مؤنث باشد.

۵- کنایه از زایش و باروری: احتمال دارد دو عنصر درخت و بز کنایه‌ای از دو جنس مؤنث و مذکر در کنار یکدیگر و نشانه‌ای از زایش و باروری باشند که در تصاویر ارائه‌شده مشهود است.

۶- اتحاد زمین و آسمان: آشوریان به علم کواکب واقف و خدایان را به سیارات نسبت داده و هر خدا را منتسب به یک سیاره به همراه خورشید و ماه می‌دانستند. آنان نه خدا را در قالب نموداری چیده و آن را در درخت نخل پیاده کرده‌اند. بدین ترتیب خدایان آن‌ها آسمانی بودند. درخت آسوریگ در مجموع شامل نه خدا با نیروی عظیم الهی بود و شاهان، خود را دارای چنین نیرویی می‌دانستند. به‌این‌ترتیب خدایان آن‌ها آسمانی بوده و شاید به دلیل قامت نخل آن را به‌کار گرفته‌اند؛ زیرا به آسمان نزدیک‌تر بوده و مانند ستون زمین را به آسمان و خدایان آسمانی پیوند داده با آن‌ها در ارتباط است.

## نتیجه‌گیری

درخت آسوریگ نقش فعالی در فرهنگ ماد و آشور داشته و اهمیتی تاریخی، مذهبی و اجتماعی را عهده‌دار بوده و نه تنها در آن دوره، بلکه در زمان بعد از ماد نیز بر روی ظروف و غیره مورد استفاده و کاربرد مفهومی بوده است. این به‌نوعی تاریخ آشور و ماد و پیروزی ماد بر آشور را به دیگر قوم‌ها یادآور می‌شود. اساس و ریشه داستان آسوریگ در مذهب آنان گنجانده شده و اعتقادات آشوریان در چندگانه پرستی و مادها را در مزدا پرستی به تصویر کشیده‌اند. از این‌رو، درخت (شاید به دلیل پرستش آن در قوم آشور) و بز به دلیل چالاک و بی‌باکی به‌عنوان نمادی از مزدا پرستی درآمده است. البته نقش درخت (اشکال مختلف) و همچنین بز در دوران ماقبل ماد و آشور نیز بر آثار زیادی مکشوف شده که شاید مفاهیم دیگری غیر از دوران ماد و آشور داشته‌اند. همان‌گونه که بیان شد و آثار مکشوفه مورد پژوهش قرار گرفتند، در بین‌النهرین درخت خرما و به‌ویژه در دوره آشور دارای جایگاه والایی بوده که شاید به دلیل فراوانی نخل در نواحی زیست‌محیطی آنان و یا ارزش آن در اقوام گذشته باشد. آنچه بیان شد تأملی بود و رای ظاهر دو نقش درخت و بز که بر آثار باستانی بی‌شماری در ایران باستان و بین‌النهرین به تصویر درآمده است؛ نگاره‌هایی که به‌نظر می‌رسد مفاهیمی بس ارزشمند و غنی از فرهنگ سرزمینشان در دل نهان دارند. در این پژوهش سعی و تلاش بر آن شد تا گوشه‌ای از تدبیر در تصویرگری این دو عنصر بصری به‌عنوان نمادهایی از دو تیره آریایی و سامی از منظر بستر شکل‌گیری فرهنگی و مذهبی مورد پرسشگری قرار گیرد.

## فهرست منابع

- ابراهیمی، رضا. (۱۳۹۳). «تعلیم و تربیت فرزند در ادب فارسی تا قرن ۶ هجری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ابراهیمی، سید محمد. (۱۳۹۱). «ساختار داستان (درخت آسوریگ) بر مبنای دیدگاه لوی استروس». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. (شماره ۲۲)، ۱۶۰-۱۴۷.
- بهرامی، وحیده. (۱۳۹۲). *درختان مقدس*. چاپ اول، تهران: نشر برداشت.
- پاکی زاد تبریزی، شکوفه. (۱۳۷۵). «فرهنگ و زبان‌های باستانی (بررسی منظومه درخت آسوریگ از نظر مباحث دستوری)». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. تبریز: دانشگاه تبریز.
- پرادا، ایدت و همکاران. (۱۳۸۶). *هنر ایران باستان*. ترجمه مجید یوسف‌زاده. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- پوپ، آرتور آپم، و فیلیپس اکرم‌من. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز، دوره‌های پیش از هخامنشی، پارتی و اشکانی)*. ج ۱. ترجمه باقر آیت‌الله زاده شیرازی، علیرضا شاپور شهبازی، هومان اسعدی. تهران: علمی و فرهنگی.
- دادور، ابوالقاسم، و الهام منصوری. (۱۳۸۵). *درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان*. تهران: نشر دانشگاه الزهراء (س).
- دورانت، ویل. (۱۳۶۷). *تاریخ تمدن (مشرق زمین: گاهواره تمدن)*. ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی، میرحسین آریان پور. تهران: انقلاب اسلامی.



- دیاکونوف، ا.م. (۱۳۵۷). *تاریخ ماد*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
- رحمانی، هما. (۱۳۹۰). «التفات و تطور تاریخی آن در آثار بلاغی تا امروز». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ریاضی، محمدرضا. (۱۳۷۵). *فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران*. تهران: نشر دانشگاه الزهرا(س).
- شریفی، محمد. (۱۳۸۷). *فرهنگ ادبیات فارسی*. تهران: فرهنگ نشر نو انتشار معین.
- شوالیه، ژان، و آلن گربران. (۱۳۸۸). *فرهنگ نمادها (اساطیر، رویاها، ایماء و اشاره، اشکال و قوالب، چهره‌ها، رنگ‌ها، اعداد)*. ج ۳. ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- طلایی، حسن. (۱۳۹۳). *مهر در ایران از آغاز تا صدر اسلام*. تهران: سمت.
- عبدلی، محمد، و راضیه گرکنی. (۱۳۹۲). *اسطوره‌های شرق*. تهران: جمال هنر.
- فلاح، لیلا. (۱۳۹۰). «گیاهان اساطیری در هنر ایران باستان». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه الزهرا(س).
- علی‌آبادی، منیژه. (۱۳۹۱). «بررسی عناصر سه گانه نمادین در جام شوش». *هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*. (شماره ۳)، ۵-۱۲.
- قدیانی، عباس. (۱۳۹۳). *مذهب و باورهای دینی در ایران (از ایران باستان تا پایان سلسله زندیه)*. تهران: آرون.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله. (۱۳۸۰). *سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر*. تهران: ققنوس.
- کوپر، جی. سی. (۱۳۷۹). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*. ترجمه ملیحه کرباسیان. تهران: فرشاد.
- لازار، به‌به. (۱۳۸۸). *تاریخ آشور*. تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری.
- لیک، گوندولین. (۱۳۸۵). *فرهنگ اساطیر شرق باستان*. ترجمه رقیه بهزادی، تهران: طهوری.
- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۷۹). *تاریخ و تمدن بین‌النهرین (تاریخی، فرهنگی، اجتماعی)*. ج ۲. تهران: نشر دانشگاهی تهران.
- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۸۰). *تاریخ و تمدن بین‌النهرین (هنر و معماری)*. ج ۳. تهران: نشر دانشگاهی تهران.
- محمدی، محمدهادی و زهره قایینی. (۱۳۹۰). *تاریخ ادبیات کودکان ایران (ادبیات شفاهی و دوران باستان)*. تهران: چپستا.
- معصومی، غلامرضا. (۱۳۴۹). «نقش بزکوهی بر روی سفال‌های پیش از تاریخ ایران». *ضمیمه بررسی‌های تاریخی*. (شماره ۴)، ۲۹۲-۲۵۷.
- وزیری، علی‌نقی. (۱۳۶۹). *تاریخ عمومی هنرهای مصور*. تهران: هیرمند.
- وندنبرگ، لوئی. (۱۳۷۹). *باستان‌شناسی ایران باستان*. ترجمه عیسی بهنام. تهران: دانشگاه تهران.
- هال، جیمز. (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب*. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- نوابی، ماهیار. (۱۳۶۳). *درخت آسوریگ (متن پهلوی، آوانوشت، ترجمه فارسی، فهرست واژه‌ها و یادداشت‌ها)*. تهران: فروهر.
- Cooper, Jerrold (2000). "Assyrian prophecies, the Assyrian tree, and the Mesopotamian origins of jewish monotheism, Greek philosophy, Christian theology, Gnosticism, and much more". *Journal of the American Oriental society*. Published by: American Oriental Society. (vol 120), 430-444.
- Parpola, Simo (1993). "The Assyrian tree of life: Tracing the origins of gewish monotheism and Greek philosphu". *Journal of near eastern studies*. Published by: The University Chicago

press. (vol 52), 161-208.  
[www.kolbeh-keramat.ir](http://www.kolbeh-keramat.ir)  
[http://partizan\\_g.mihanblog.com](http://partizan_g.mihanblog.com)  
[www.persiagnblog.irpost](http://www.persiagnblog.irpost)  
[www.pinterest.com](http://www.pinterest.com)  
<http://www.shegeftiha.com>  
[www.tebyan-zn.ir](http://www.tebyan-zn.ir)